

معلم، برنامه‌ریز درسی

گزیده‌ای از سخنان دکتر محبی الدین بهرام محمدیان
دریبیست و نهمین اجلاس رؤسای آموزش و پژوهش مناطق کشور

در برنامه درسی ملی که از همین سند اخذ شده، رسانه آموزشی ما تنها کتاب تلقی نشده است. ما تکلیف داریم و در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» چند سال است که تمرين و ممارست می‌کنیم که به جای کتاب درسی تنها، برنامه درسی یا بسته آموزشی را مطرح کنیم. کتاب درسی جزو بسته آموزشی است. قبل از کتاب درسی، راهنمای برنامه و راهنمای معلم داریم و بعد از کتاب درسی هم کتاب کار داشت آموز، مواد خواندنی غیردرسی رسمی، محتوای الکترونیکی و فیلم آموزشی، جزو بسته آموزشی هستند.

بسته آموزشی یک طرفش پرانتر دارد، اما طرف دیگر شه نقطعه است. سه نقطه برای این است که در نگاه جدید، ما معلم را فقط انتقال‌دهنده مفاهیم نمی‌دانیم، بلکه او را راهبر آموزشی می‌دانیم. معلم در نقش پژوهنده ظاهر می‌شود، معلم اسوه و الگوست و می‌تواند برنامه‌ریز درسی هم باشد. لذا این سه نقطه را گذاشتۀ ایم تا معلم به اقتضای شرایط، اجزایی از بسته آموزشی را تولید یا تأمین کند. به عبارت دیگر، بسته آموزشی ما باز است. نکته مهم دیگر این است که محیط یادگیری تنها کلاس درس تلقی نشده است. کلاس درس برای ما مهم است، اما مجھطه‌های پیرامونی کلاس درس مانند آزمایشگاه، کتابخانه، نمازخانه و حیاط مدرسه هم محیط‌های باددهی و یادگیری هستند. علاوه بر محیط مدرسه، محیط بیرون از مدرسه هم می‌تواند در خدمت آموزش و پژوهش قرار بگیرد. لذا مسجد محل، موزه، بازار، پارک، اردوهای تفریحی، آموزشی و علمی، جزو محیط‌های یاددهی و یادگیری هستند. حرف ما؛ کجا اقتباس شده است؟ مستند است به سندی که می‌گوید: مدرسه کانون فرهنگی محل است و اگر کانون فرهنگی محله شد، باید با کانون‌های دیگر ارتباط و تعامل داشته باشد.

ارزشیابی هم متناسب با این نظام تحولی است. یعنی در سند تحول، ارزشیابی کمی یا کیفی صرف نیست، بلکه ارزشیابی ترکیبی و تشویقی داریم. ارزشیابی متناسب با هر محتوای آموزشی و حوزه آموزشی و سازگار با آن انجام می‌شود. مثلاً در مطالعات اجتماعی مارزشیابی حفظی نداریم، ارزشیابی مطالعات اجتماعی باید رفتار را سنجد. یا اینکه در درس قرآن و معارف اسلامی، حفظیات مطرح نیست، بلکه تغییر رفتار مدنظر است. از این به بعد ما نقشه جامع، یعنی سند تحول و برنامه درسی ملی داریم، اما برای اینکه گذشته‌ها را اصلاح کنیم، باید محتوای

مقصد اصلی سند تحول بنیادین این است که آموزش و پژوهش به مراتبی از حیات طبیه دست پیدا کند. یعنی دانش آموزان ما واجد مراتبی از حیات طبیه شوند و به نفس مطمئنه دست پیدا کنند. هر آنچه به عنوان مقدمه برای آنها قرار داده‌ایم، اگر هم هدف تلقی نشوند، اهداف تقيیدی هستند و ما را آماده می‌کنند به هدف غایی برسیم، یکی از مواردی که ذیل تکالیف سند تحول بنیادین، ذکر شده است و آموزش و پژوهش باید آن را به انجام می‌رساند، تدوین نقشه کلی محتوای آموزشی است که ما از آن در ادبیات آموزش و پژوهش به نام «برنامه درسی ملی» یاد می‌کنیم. در سند تحول و برنامه درسی ملی که ماندوین کردۀ ایم، هدف دستیابی به حیات طبیه است. راه حصول و رویکرد رسیدن به این هدف، «شکوفایی فطرت» گفته شده است. شکوفایی فطرت رویکرد برنامه‌های آموزش و پژوهش ماست. در زبان برنامه، وقتی شکوفایی فطرت را تحریه و تحلیل کنیم تا بینیم فطرت چگونه شکوفا می‌شود، به پنج عنصر می‌رسیم: تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق. این پنج عنصر در چهار عرصۀ ارتباطی خود، خدا، خلق و خلقت مطرح می‌شوند. همه ارتباطاتی که در این عالم هست، یکی از این چهار عرصۀ ارتباطی است. برای اینکه این مجموعه را در آموزش و پژوهش عملیاتی کنیم، ۱۱ حوزۀ یادگیری تعریف کرده‌ایم. البته حوزه‌های یادگیری که عرض می‌کنم، به مقضای زمان، مکان... قابل افزودن و کاستن هستند.

این ۱۱ حوزۀ یادگیری در آینده باید ظرف ۱۲ سال محقق شوند. برای اینکه تولید محتوا داشته باشیم، علاوه بر نقشه برنامۀ درسی ملی، ما برای هر کدام از این حوزه‌های یادگیری، یک راهنمای عمل داریم. اگر از ما بپرسند: حوزۀ ریاضیات، از اول ابتدایی تا پایان متوسطه چه خواهد گفت؟ ما یک جدول توالی درس‌ها را راهه می‌دهیم که ارتباط طولی درس‌ها را نشان می‌دهد. اما در همین سند، نظام آموزشی ما به چهار دوره سه ساله تقسیم شده است.

در هر کدام از این دوره‌ها هم باید یک نقشه داشته باشیم تا بگوییم در دوره ابتدایی چه آموزشی خواهیم داشت و چه هدفی از اهداف پژوهشی را تأمین می‌کنیم. همین طور در دوره‌های اول و دوم متوسطه، به این ترتیب ارتباط افقی درس‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی با هم روش‌من می‌شود. یعنی ارتباط طولی درس‌ها در حوزۀ یادگیری و ارتباط افقی آن‌ها در دوره‌ها مشخص می‌شود.

مطرح کردند. مثلاً درس تفکر و پژوهش را به مدرسه بردن و اجرا کردن و از داشت آموزان باز خورد گرفتند. با داشت آموزی که سال قبل پایه اول را خوانده بود، درس ریاضی دوم را کار کردند و دیدند جواب می دهد. علاوه بر این، نظرات تک تک معلمان بررسی شد. بعد از این کار ما دوباره در شورای برنامه ریزی، نظرات دریافتی را مطرح کردیم و اصلاحات اعمال شدند.

ادبیات فارسی امروز باید به عنوان زبان علمی مطرح شود. این فرمایش رهبری و نقشه علمی کشور است که برای ما تکلیف معین کرده اند.

شما اهل نظر هستید و می دانید که کتاب درسی نوشتن، خم رنگرزی نیست. باور کنید که برای هر کدام از این کتابها ۱۰ هزار ساعت نفر کار شده است. بنده این کتابها را صفحه به صفحه خوانده ام. نمی گوییم اشکالی ندارند یا نقصه ضعفی پیدا نمی شود، اما بهتر شده است. اولین درخواستم از شما رؤسای آموزش و پرورش این است که خودتان این کتابها را ورق به ورق بخوانید. حیف است کارشناس معاونت آموزش ابتدایی سؤال کند که شما مقدمه کتاب علوم اول را خوانده اید یا نه و فقط ۱۰ نفر دست بلند کنید. همه رؤسای مطالعه این کتاب های جدید اتألیف را در اولویت کارشان قرار دهند.

ما از زمانی که به سازمان پژوهش آمده ایم، علاوه بر شورای برنامه ریزی درسی و شورای تأثیف، شورای نقد کتاب داریم، پول می دهیم کتاب درسی ما را نقد کنند و عیوب و ایرادها را به ما بگویند تا ایرادها را در سال های بعد اصلاح کیم. دوستان، این کتابها را کلاسیوری کنید و یک برگه سفید کارشان بگذارید و اگر با کتاب موافقید یا نقدی دارید، چرایی اش را بنویسید و آن را قبل از اجلas سال آینده به ماتحولی دهید. مابه بهترین نوشتھا و پیشنهادهای جدید مدیران و رؤسای مناطق جایزه می دهیم.

درخواست دوم من این است رؤسای محترم شهرستانها و مناطق حتماً به دوره های آموزشی عنايت پیشتری داشته باشند. کتاب ما اگر هم خیلی عالی باشد، به پای قرآن نمی رسد. اگر خود قرآن باشد، اما معلم شمش معلم نباشد، «و لا يزيد الظالمين الا خسارا». معلم مهم است. آموزش های مهارتی معلمان بسیار اهمیت دارد.

مطلوب آخر اینکه متون کتاب های درسی اول، دوم، ششم و بسته های آموزشی (برای دوم و ششم)، روی شبکه رشد به نشانی: <http://126.roshd.ir> قرار دارند و دوستان می توانند استفاده کنند. هچنین، بسته هفت تایی «دی وی دی» برای دوم ابتدایی و هشت بسته دی وی دی، برای ششم ابتدایی شامل ۴۰ ساعت فیلم راهنمای معلم، یعنی راهنمای مصور، به تعداد کل آموزگاران تحويل تمامی استان ها شده است.

قبلی را هم سو می کردیم. سی سال بود که ریاضی دوره ابتدایی تغییر نکرده بود. آیا محتوای آموزش ریاضی تغییر نکرده است؟ روش های یاددهی و یادگیری ریاضی تغییر نکرده اند؟ سی سال داشت آموزان ما با همان نظام قدیم پیش رفته اند. درس های علوم و سایر درس ها هم همین وضع را دارند، در حالی که پیش بینی های ما در مجموعه سازمان پژوهش این بود که حدائق هر پنج سال یک بار در برنامه تجدیدنظر شود. مبتنی بر نیازها، پیشرفت علوم و فنون، و پیشرفت فناوری در حوزه های گوناگون، برنامه هم باید تغییر کند.

اعتباربخشی توسط صاحب نظران، کارشناسان و معلمان صورت می گیرد. اگر اعتباربخشی مثبت بود و شورای هماهنگی علمی سازمان - که ترکیب مشخص و معینی دارد - کتاب را تأیید کرد، به کتاب درسی تبدیل می شود.

کتاب درسی که تولید شد، آن هم باید اعتباربخشی شود. بخشی از اعتباربخشی کتاب درسی توسط شورای برنامه ریزی صورت می گیرد تا معلوم شود ممؤلف اهداف شورای برنامه ریزی را محقق کرده است یا خیر. سپس کتاب درسی توسط معلمان با تجربه اعتباربخشی می شود. آنان معلوم می کنند که این کتاب امکان اجرایی دارد یا خیر. سرانجام کتاب توسط خود داشت آموزان اعتباربخشی می شود که آیا این محتوا با خواسته ها و نیازهای آنان منطبق است؟ البته در کنار این افراد همیشه کارشناسان هم حضور دارند.

در سال های پیش به مدت یک سال کتاب را به طور آزمایشی تدریس می کردیم. اما با توجه به مصوبه شورای عالی آموزش و شورای عالی انقلاب فرهنگی که ما را موظف کرده اند ظرف شش سال کتاب های درسی ۱۲ پایه را تغییر دهیم - در حالی که ما چند سال قبل برای هر پایه دو سال وقت می گرفتیم امسال باید برای هر دو پایه در یک سال اقدام کنیم - برای تحقق این امر، اعتباربخشی در زمان را انجام دادیم. نه اینکه اعتباربخشی را حذف کرده باشیم، اما فرایندهای اعتباربخشی را به هم نزدیک کردیم. همان طور که کتابها تولید می شد، پیش نویس کتابها را تحویل استان ها می دادیم.

معلمان با تجربه، گروه های آموزشی و مدرسان تربیت معلم نظرات و پیشنهادات خود را برای ما می فرستادند. داشت آموزان هم در تهران با مؤلفان ارتباط برقرار می کردند. ما با داشت آموزان مدارس استعدادهای درخشان و داشت آموزان منطقه ۶ کار کردیم. برای اینکه نمونه متنوعی از انواع داشت آموزان داشته باشیم که نماینده ای از کشور باشد، به ایران کوچک، به استان البرز سفر کردیم. چند مدرسه در ایران کوچک به اضافه مدارس شهرستان های تهران نظیر «اسلام شهر» مورد توجه قرار گرفتند. در این مدارس معلمان ما محتوای آموزشی را با داشت آموزان

طبيعت بستگي ندارد، اما بهار انسان‌ها می‌تواند هر روز اتفاق بيفت. هر زمان که انسان اراده کند، همان روز آغاز بهار است. همان‌طور که دانه تا پوسته خود را نشکافد، به حرکت وبالندگی نمی‌رسد، انسان نیز تا از پوسته «خود» بیرون نیاید، به رشد و بالندگی نمی‌رسد. تا وقتی در حصار خود و منافع خود و اميال خود و سایر محدودیت‌های «خود» گرفتاریم، دنیا برای ما بسی تنگ و تاریک می‌نماید. گویی زنجیرهایی بر دست و پای روحان راسته شده است که امکان پرواز و رفت و آج را از ما می‌گیرد. اگر این زنجیرها گشوده شود، حرکت تکاملی آغاز می‌شود و درخت وجود انسان به ثمر می‌نشیند.

يکی از وظایف نظام آموزشی فراهم کردن شرایط رشد و بالندگی دانش‌آموzan است؛ رشد در تمام جنبه‌های وجودی. بنابراین، نظام آموزشی نیز باید خود را از رکود و سکون خارج کند و در مسیر حرکت و پیشرفت قدم گذاشت با تواند پاسخگوی نیازهای ذی‌نفعان خود باشد. بدیهی است که این تغییرات باید عمداً کیفی و محتوایی باشد و در موارد ضرورت، تغییرات شکلی و ساختاری را هم دربر گیرد.

با نگاهی دقیق‌تر به جهان پیرامون خود مشاهده خواهیم کرد که جهان دائم‌در حال تعییر، حرکت و دگرگونی است؛ از زمین، خورشید، ماه و ستاره‌ها گرفته تا ذرات کوچک درون هسته اتم. يکی از نمونه‌های ملموس تعییر و تحول که هر سال تکرار می‌شود و همه مان را درک می‌کنیم، تعییر در فصول سال و تغییراتی است که به تبع آن در گیاهان و جانوران و آب و هوا مشاهده می‌کنیم.

در این زمینه، فراسیدن فصل بهار همیشه به عنوان نماد بارز تعییر و حرکت طبیعت مورد توجه ادبیان و شاعران و هنرمندان قرار گرفته و هر یک به زبانی انسان‌ها را به الهام گرفتن از بهار طبیعت در جهت تعییر و تو شدن فراموشاند. بهار فصل شکوفایی و رویدن و سرسیزی و درآمدن از پوسته سرد و تاریک زمستانی است.

وقتی طبیعت از زمستان عبور می‌کند و به بهار وارد می‌شود و آن همه زیبایی و طراوت با خود می‌آورد، چرا انسان‌ها چنین نکنند و از پوسته سرد «خود» خارج نشوند و به عرصه رویش و پویش قدم نگذارند؟ آنچه در اینجا متفاوت است، این است که بهار طبیعت سالی یک بار است و به خواست و اراده خود

بُنگاهی گذرایه سند تحول بنیادین ضرورت تغییر

سعید قربی

محورهای تغییر

در فصل چهارم از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نخستین هدف کلان بدین شرح تبیین شده است: «تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به مبدأ و معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهروز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایتمدار و منتظر، تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاک‌دامن و باحیا، انتخابگر و آزادمنش، متخالق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتضد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظام‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.»

به منظور فراهم ساختن بستری مناسب برای ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزشی در راستای ارتقای کیفی، در سال‌های اخیر، اسنادی در وزارت آموزش و پرورش تولید شده است که از آن‌ها به عنوان اسناد تحولی نام برده می‌شود: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و سند «برنامه درسی ملی».

در سند تحول بنیادین، اهداف و راهکارهای اجرایی برای تحول کیفی در آموزش و پرورش در تمام زمینه‌ها به تفصیل بیان شده و در سند برنامه درسی ملی اهداف و جهت‌گیری‌های اساسی برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی تشریح شده است. هم‌سوسازی برنامه‌ها و محتواهای آموزشی با این اسناد، از مهرماه سال ۹۰ در پایه اول ابتدایی آغاز شده و در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در پایه‌های تحصیلی دوم و ششم ابتدایی دنبال خواهد شد. در سال‌های تحصیلی بعد هم، در هر سال دو پایه مشمول این هم‌سوسازی و تغییر قرار خواهد گرفت. اکنون ببینیم محورهای این تغییرات چیست.



از چهار دیواری کلاس تامحبیط‌های متنوع یادگیری
 تصور سنتی از مدرسه، محدود شدن معلم و دانش‌آموز در محیطی بسته به نام کلاس است که همه چیز در آنجا اتفاق می‌افتد. اما امروزه کلاس‌های درس توسعه یافته و گویی دیوارهای آنها برداشته شده است. از دید برنامه درسی ملی، محیط یادگیری علاوه بر کلاس درس، شامل فضای مدرسۀ کتابخانه مدرسۀ، محیط‌های طبیعی مانند پارک و مزرعه، محیط‌های کار و تولید، اماكن فرهنگی محلات مانند مساجد، کانون‌های فرهنگی، موزه‌ها، فرهنگ‌سراه‌ها و همه جامعه است و دانش‌آموزان باید به گونه‌ای تربیت شوند که بتوانند از همه این محیط‌ها به عنوان کلاس درس بهره گیرند و هر روز نکته تازه‌ای بیاموزند و به قول سعدی:

مرد باید که گیرد اندر گوش
 ور نوشته است پند بر دیوار

از کتاب درسی به منابع متنوع یادگیری
 با گسترش امکانات سمعی و بصري و ورود رایانه‌ها به محیط‌های آموزشی، دیگر نمی‌توان کتاب درسی را مبنی متصحّر به فرد یادگیری دانست. در کتاب‌های کمک آموزشی و مکمل، لوح‌های فشرده، فیلم‌های آموزشی و پایگاه‌های علمی و آموزشی در اینترنت نیز به عنوان منابع یادگیری، در دسترس قرار گرفته‌اند. ما باید به دانش‌آموزان یاد بدیهیم که چگونه از این منابع متنوع استفاده کنند و به یادگیری خود غنا بخشند. به عبارت دیگر، باید آن‌ها را برای یادگیری مادام‌العمر آماده کنیم. توجه به این موضوع، یکی دیگر از تأکیدات سند برنامه درسی ملی است.

از پژوهش یک بعدی تا تربیت همه جانبی
 هر داشت آموز به عنوان انسان ابعاد وجودی گوناگونی دارد که همه آن‌ها به پژوهش و شکوفایی نیاز دارند. انسان در دوران زندگی خود دائماً در حال تعامل و ارتباط با خود، خدای خود و محیط و اشیای اطراف است. محیط و اشیا هم شامل دیگر انسان‌ها و هم شامل سایر مخلوقات خدادست. بنابراین، او نیاز دارد که نحوه صحیح تعامل و برقراری ارتباط با این‌ها را بگیرد و نظام آموزشی باید زمینه این یادگیری‌ها را فراهم سازد. بدین‌منظور، الگوی هدف‌گذاری برنامۀ درسی ملی، محیط یادگیری علاوه بر کلاس درس، شامل فضای مدرسۀ کتابخانه مدرسۀ، محیط‌های طبیعی مانند پارک و مزرعه، اماكن فرهنگی محلات و مانند مساجد، کانون‌های فرهنگی، موزه‌ها، فرهنگ‌سراه‌ها و همه جامعه است

از روش‌های کمئون تدریس به شیوه‌های نوین یاددهی – یادگیری
 شیوه‌های تدریس صرفاً کلامی و توضیحی، به خصوص در پایه‌های پایین‌تر، اکنون دیگر منسخ شده است و کارایی چندانی ندارد. شیوه‌های نوین یاددهی – یادگیری با تعامل، بحث و گفت‌و‌گو، پرسش و پاسخ، بهره‌گیری از وسائل سمعی و بصري و استفاده از منابع گوناگون یادگیری همراه است که در نتیجه آموزش را از حالت یکنواختی و کسل‌کننده‌گی خارج می‌سازد و شوق و نشاط یادگیری را در دانش‌آموزان می‌افزاید. امروزه رایانه در کلاس‌های درس می‌تواند کار چند وسیله‌مند کمک آموزشی از قبیل اورهده، پروژکتور اسلامی، ضبط صوت و پوستر را انجام دهد؛ به اضافه توانمندی‌های دیگری که دارد. برنامۀ درسی ملی بر استفاده معلمان از این وسائل و غنی‌سازی تدریس تأکید می‌کند.

پیام این هدف برای نظام آموزشی این است که باید شرایط را برای تربیت چنین انسانی فراهم کند و هر آنچه را لازمه تحقق چنین هدفی است مهیا سازد و هر مانعی را که بر سر راه وجود دارد، از میان بردارد.

از دید برنامۀ درسی ملی بر مبنای هدف فوق، راهکارهایی برای تغییر در برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی ارائه شده است که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

از حافظه محوری به تفکر محوری
 یکی از آفت‌های آموزشی کنونی تکیه بیش از حد بر آموخته‌های حفظی و ارزشی‌های مبتنی بر حافظه است. این شیوه‌های ذهن دانش‌آموزان را از خلاقیت و نوآوری بها دارد و آموخته‌های حفظی آن‌ها نیز پس از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. برای برطرف ساختن این آفت، در برنامه‌های جدید، بر پژوهش قوّه تعقل و تفکر در دانش‌آموزان تأکید و به خلاقیت و نوآوری بها داده می‌شود. هم برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و هم معلمان باید به این مهم توجه کنند و راهکارهای عملی برای اجرای آن بجوینند.

از بی‌تفاوّتی نسبت به ارزش‌ها
تا ارزش‌مداری
 نظام جمهوری اسلامی نظامی مبتنی بر آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی دین مبین اسلام است و نظام آموزشی آن نیز باید بر مبنای همین آموزه‌ها شکل گیرد. لذا توجه به ارزش‌های دینی و معارف الهی به منظور پژوهش ابعاد اعتقادی و اخلاقی دانش‌آموزان، باید به عنوان یکی از محورهای تغییر مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس در الگوی هدف‌گذاری برنامۀ درسی ملی، به دو عنصر ایمان و اخلاق توجه ویژه شده است.



دانش آموزان پایه ششم ابتدایی
چه ویژگی های روانی دارند؟
چگونه می توان آن هارا با این تغییر تازه منطبق کرد؟

روان‌شناسی ششمی‌ها

سعید بی‌نیاز
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

سال تحصیلی ۱۳۹۱-۹۲، برای همه کسانی که در مدرسه‌های ابتدایی کار تا تحصیل می‌کنند، سال متفاوتی است. اما بیشترین تفاوت را داشت آموزان و معلمان پایه تازه تأسیس ششم ابتدایی تجربه می‌کنند. معلمان این پایه از بین معلمان دوره ابتدایی انتخاب شده‌اند و داشت آموزان این پایه برای اولین بار نقشی می‌گیرند که چندین دهه است داشت آموزی آن را تجربه نکرده است: «ششمی بودن». این فضای تازه، از لحاظ روان‌شناسی، اگر با پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌های درستی همراه باشد می‌تواند مثبت و بالنده باشد، و گرنه اختلال بروز مشکلات متعدد، هم در میان داشت آموزان و هم حتی بین معلمان، کم نیست.

در این نوشته، هم شمایی کلی از ساختار روانی داشت آموزانی که در سن ششم ابتدایی قرار دارند را اثناهه می‌دهیم و هم سؤال‌هایی را که ممکن است به خاطر تغییر نقش بچه‌هادر ذهن‌شان پیش آید مرور کرده‌ایم. دست آخر هم گفته‌ایم که چطور می‌شود از این دوران گذار بدون آسیب گذشت.

از انباست ذهن به انجام دادن کار و عمل همان طور که قبل‌آشاره شد، تکیه بیش از حد بر آموزش‌های حافظه‌ای و انباست ذهنی، آموزش را از کارایی دور می‌کند. در این روش داشت آموزان قادر نخواهند بود آچه را آموخته‌اند در عمل به کار گیرند و در زندگی از آن استفاده کنند. برنامه درسی ملی یکی از عناصر الگوی هدف‌گذاری را کار و عمل در نظر گرفته و هدفش آن است که داشت آموزان به گونه‌ای تربیت شوند که یادگیری را مقدمه‌ای برای عمل کردن و انجام دادن بدانند و بکوشند بین محیط مدرسه و محیط واقعی زندگی پیوند برقار کنند. حوزه یادگیری کار و فناوری به همین منظور در برنامه‌های درسی گنجانده شده است. در سایر برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی نیز باید بر این امر تأکید شود و معلمان در هنگام تدریس، سعی در ایجاد ارتباط بین کلاس درس و محیط واقعی زندگی را وجهه همت خوبیش قرار دهند.

سخن آخر

خداآوند در آیه ۱۱ از سوره رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آن‌ها خود وضعشان را تغییر دهند. حقیقت این است که اگر ما طالب تحول در کیفیت نظام آموزشی هستیم و می‌خواهیم نسل آینده را نسلی مؤمن و توامند و دارای ویژگی‌های مورد نظر سند تحول تربیت کنیم، باید زمینه را برای تحقق محورهای تغییر که به بعضی از آن‌ها اشاره کردیم فراهم سازیم و از این فرصت طلایی برای هر چه بهتر اجرا کردن مفاد اسناد تحولی بهره گیریم تا نسلی در خود نظام جمهوری اسلامی ایران تربیت کنیم.